

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال پنجم ♦ شماره ۱۸ ♦ تابستان ۱۳۹۴
صفحات: ۱۰۷-۱۳۲ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۱۰ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۰۵/۰۱



دیدگاه اخوان المسلمین نسبت به انقلاب اسلامی ایران

مرتضی ابراهیم‌پور خرمشهری*

چکیده

با وجود حساسیت‌های فراوان در بحث روابط بین جمهوری اسلامی ایران با جنبش اخوان المسلمین، متأسفانه تاکنون این بحث، واقع‌بینانه و بی‌طرفانه بررسی نشده است. لذا اخوان المسلمین و جنبش اسلامی ایران در دو مرحله قبل و بعد از برقراری انقلاب اسلامی مناسبات و روابطی داشتند که این روابط با افت و خیزهایی همراه بوده است. برخی از عوامل همانند احیای فکر دینی، بازگشت به اسلام، مقابله با اسرائیل و کشورهای استعمارگر و ... موجب همراهی و برقراری روابط حسنه میان این دو جنبش اسلامی شده و برخی عوامل نیز همانند مخالفت جنبش اخوان المسلمین با تنش‌های انقلابی و ضدانقلاب، احکام دادگاه‌های انقلابی، تأکید قانون اساسی بر شیعی و ایرانی بودن رئیس‌جمهور ایران و اصولاً انتخاب نظام ولایت فقیه به عنوان سیستم حکومتی کشور و ... موجب سردی و افول روابط بین این دو جنبش شد. این مقاله عهده‌دار بررسی این مطالب است.

کلیدواژه‌ها: اخوان المسلمین، مصر، ایران، انقلاب اسلامی.

* پژوهشگر موسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (ع) و کارشناسی تخصصی فقه و اصول.

m.e.khorramshahri@gmail.com

مقدمه

جنبش‌های اسلامی ایران و مصر به دلیل سوابق تاریخی و تفاوت مذهب، که یکی شیعه است و دیگری سنی، اهمیت فراوانی دارند؛ و نیز روابط این دو جریان، با نگاهی به ایران، مهد تاریخی جنبش‌های شیعه و زادگاه انقلاب اسلامی، و مصر، که زادگاه سنتی جنبش اخوان المسلمین است، آثار بسیاری بر کل جریان‌های سیاسی و تحولات اسلامی در جهان اسلام دارد. هر دو جنبش اسلامی مذکور، بر بازگشت به ارزش‌های اسلامی و احیای اسلام اصیل به‌عنوان تنها راه خروج از بحران‌های موجود در جهان اسلام تأکید می‌کنند. هدف از این پژوهش، شناسایی وجوه روابط این جنبش‌ها در قبل و بعد از به وقوع پیوستن انقلاب اسلامی ایران و بررسی دیدگاه‌های نظری و عملی اخوان المسلمین کشورهای مختلف عربی درباره انقلاب اسلامی ایران و دلایل افول روابط بین این دو جنبش است.

این پژوهش به روش کتاب‌خانه‌ای- اینترنتی، در پی اثبات این فرضیه است که با اینکه هر دو گروه و جنبش‌های اسلامی ایران و مصر، با بحران‌های مشترکی مواجه بوده‌اند و در پی تلاش برای تحقق اهداف مشترکی همچون اجرای شریعت، برپایی حکومت اسلامی، مبارزه با غرب‌گرایی و بازگشت به اسلام اصیل به منظور مقابله با بحران‌های پیش رو در جهان اسلام، همفکر و همسو هستند، اما در برقراری و ادامه ارتباطات مؤثر بین دو جنبش مشکلاتی به وجود آمده که آنها را بررسی می‌کنیم.

۱. شکل‌گیری اخوان

اخوان المسلمین جنبشی فراملی و اسلام‌گرا است که در بسیاری از کشورهای عربی مشغول فعالیت هستند. اخوان المسلمین بزرگ‌ترین گروه اسلام سیاسی معاصر است که در سال ۱۹۲۸ (۱۳۰۷ ه.ش./ ۱۳۴۷ ق.ه.) در شهر اسماعیلیه مصر به رهبری حسن البنا بنیان نهاده شد و سپس فعالیت خود را به دیگر کشورهای عربی و اسلامی گسترش داد. زمینه‌های شکل‌گیری جمعیت و جنبش اخوان المسلمین مصر، در نخستین سال‌های

پس از جنگ جهانی اول بود که در رواج بی‌دینی میان روشنفکران و تحصیل‌کنندگان، به‌ویژه گسترش «سکولاریسم» یا دنیامداری پس از پیروزی آتاتورک در ترکیه و لغو شدن خلافت و برانگیخته شدن احساسات ملی مصریان بر ضد انگلیسی‌ها و آرزومندی قاطبه مردم به اصلاح اوضاع داخلی مصر، ریشه دارد.^۱

حسن البنا درست در متن بحران و نابسامانی‌های کشورش متولد شد و رشد کرد. او از یک سو شاهد فروپاشی خلافت اسلامی و پریشانی مسلمانان بود و از سوی دیگر از نهضت سلفی و جنبش دینی - سیاسی پیشینیان خود در مصر اثر پذیرفته بود.^۲ سازمان اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸ با بیعت حسن البنا و شش نفر از همفکرانش تشکیل شد. در ابتدا فعالیت‌های آنان جنبه نیمه‌مخفی داشت و برای گسترش جنبش از جزوه، نامه، سخنرانی و ملاقات‌های شخصی استفاده می‌کردند. دهه ۱۹۲۰، که حسن البنا جنبش خود را بنیان نهاد، افکار سیاسی اسلام بین اندیشه‌های سه مکتب در نوسان بود: ۱. عناصر محافظه‌کار الأزهر یا سنت‌گرایان که هر گونه سازش یا نوسازی جامعه و دگرگونی دین و مذهب را رد می‌کردند؛ ۲. حامیان نوسازی، که هدفشان جامعه‌ای بود که دین و سیاست از هم جدا باشد؛ ۳. اصلاح‌طلبان پیرو رشید رضا، که خواستار بازگشت به عقاید و اعمال اولین نسل از احکام اسلامی بودند، که در این میان حسن البنا به مکتب سوم تمایل داشت.^۳

فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی حسن البنا در سه مرحله می‌گنجد: ۱. از ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۹ که تمام سعی و تلاش وی بر کارهای نظری، سخنرانی‌ها، انتشار مجلات و فراگیر شدن نهضت در کشورهای اسلامی بود؛ ۲. از ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ که وی به

۱. سایت اخوان‌ویکی، به آدرس <http://www.ikhwanwiki.com>

۲. یحیی فوزی، «مقایسه اندیشه سیاسی اخوان المسلمین با جنبش اسلامی شیعی ایران»، ص ۳۵.

۳. بهمن آقایی و خسرو صفوی، اخوان المسلمین، ص ۶۳.

سازماندهی سیاسی جنبش پرداخت؛ ۳. از ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹ که دوران اثرگذاری اخوان المسلمین در مسائل اساسی مصر بود که با ترور وی در ۱۹۴۹ پایان یافت.^۱

۲. رابطه مصر و اخوان قبل از انقلاب با ایران

هر کوششی برای تبیین رابطه بین مصر و اخوان المسلمین با انقلاب اسلامی ایران منوط به بازنگری گذشته دو جنبش و بررسی علل و عواملی است که باعث توسعه یا سردی یا قطع این روابط شده است. بدین منظور روابط مصر و اخوان با ایران و جنبش‌های اسلامی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران را ارزیابی می‌کنیم. در دوران معاصر روابط میان ایران و مصر دست‌خوش تحولات و دگرگونی‌های بسیاری شده است. با توجه به نفوذ و سلطه انگلیس در این دوره بر هر دو کشور، ما شاهد نزدیکی روابط ایران و مصر هستیم تا جایی که می‌بینیم ازدواج سیاسی میان خاندان پادشاهی دو کشور صورت می‌گیرد و فوزیه، خواهر فاروق، پادشاه مصر، با محمدرضا پهلوی، ولی‌عهد ایران، ازدواج می‌کند. این ازدواج، دو سال ونیم قبل از سقوط رضاخان و تبعید او به آفریقای جنوبی صورت گرفت، هرچند دوام چندانی نداشت و به جدایی انجامید و روابط دو دولت مصر و ایران را به سردی کشاند.^۲ از این زمان به بعد با کودتای افسران آزاد در مصر در ۱۹۵۲ به رهبری جمال عبدالناصر و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران، که در مصر منجر به سرنگونی رژیم پادشاهی و در ایران منجر به تثبیت رژیم پهلوی شد روابط دو کشور شدیداً تیره می‌شود، به طوری که منجر به قطع روابط ایران و مصر شد. رژیم پهلوی دولت ناصر را به دست‌داشتن در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ متهم کرد و مصر نیز رژیم پهلوی را به دلیل روابط نزدیک خود با اسرائیل هدف هجوم تبلیغاتی خود قرار داد. این وضعیت تا زمان مرگ ناصر در ۱۹۶۹ و روی کار آمدن انور سادات همچنان ادامه داشت.^۳

۱. علی محمد نقوی، مقدمه‌ای بر نهضت‌شناسی؛ از حسن البناء تا خالد اسلامبولی، ص ۲۳.

۲. آشنایی با کشورهای جهان اسلام؛ جمهوری عربی مصر، ص ۳۶۲-۳۶۳.

۳. منوچهر محمدی، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، ص ۲۷۲.

با روی کار آمدن انور سادات و گرایش‌های فراوان او به آمریکا روابط ایران و مصر مجدداً رو به گرمی نهاد به نحوی که در سال ۱۳۵۷ شاه ایران اولین منزلگاه خود را برای فرار از ایران، کشور مصر قرار داد و نهایتاً نیز با مرگ شاه در یکی از بیمارستان‌های قاهره در آن کشور به خاک سپرده شد.^۱ از لحاظ مراودات فرهنگی و دینی نیز می‌بینیم که در این دوره و از اواخر دهه ۱۹۴۰، نهضت جدید و منسجم‌تری شکل گرفت تا بار دیگر میان شیعیان و اهل سنت نزدیکی ایجاد شود. این نهضت را مرجع تقلید شیعه، آیت‌الله بروجردی، تأیید کرده بود و آیت‌الله محمدحسین کاشف‌الغطاء از مراجع تقلید نجف در عراق و علامه شرف‌الدین از مراجع لبنان از دیگر حامیان این نهضت از علمای شیعه بودند. در کشور مصر نیز نهضت یادشده را شیخ عبدالمجید سلیم، از دانشگاه الأزهر و تعدادی از شاگردان او، از جمله شیخ محمود شلتوت (رئیس بعدی الأزهر) و حسن البنا، رهبر اخوان المسلمین تأیید کرده بودند.^۲ به منظور نهادینه‌شدن این رابطه نزدیک میان شیعه و سنی، که علما و مراجع دو کشور ایران و مصر عهده‌دار آن بودند، در سال ۱۹۴۷ «دار التقرب بین المذاهب الاسلامیة» در قاهره تأسیس شد. روند بهبود روابط دینی و مذهبی میان شیعیان و اهل سنت تا جایی پیش رفت که شیخ محمود شلتوت، مفتی الأزهر در ۱۹۵۸، در فتوایی شیعه اثناعشری را به رسمیت شناخت و به دنبال این فتوا برای تدریس تشیع در الأزهر کرسی اختصاص داده شد.^۳

رابطه بین اخوان المسلمین و جنبش اسلامی ایران ابعاد تاریخی نسبتاً عمیقی دارد که به پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ باز می‌گردد.

با در نظر گرفتن همفکری، همکاری و همنوایی دو جنبش در قبال مسائل جهان اسلام، که بر اثر تلاش مصلحانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی شکل گرفت، پیدایش انقلابیان و مصلحان واقع‌بین و وحدت‌گرایی چون آیت‌الله کاشانی، آیت‌الله قمی، نواب

۱. جان. ال. اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ص ۱۵۳.

۲. همان، ص ۱۵۴.

۳. همان.

صفوی و حسن البنا، عمر تلمسانی، شیخ شلتوت و ... در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ابعاد این همکاری را گسترده‌تر کرد.^۱

روابط بین جنبش اخوان المسلمین و انقلاب اسلامی ایران را می‌توان معلول عواملی دانست که اجمالاً چنین است:

۱. دیدگاه وحدت‌گرایانه رهبران دو جنبش در خصوص مذاهب اسلامی و دوری آنان از تعصبات تفرقه‌آمیز، مهم‌ترین مبانی رابطه مزبور بوده است. عمر تلمسانی با طولانی‌دانستن رابطه اخوان با ایران دلایل این رابطه را چنین بیان می‌کند: «جماعت اخوان المسلمین هیچ وقت و به هیچ صورتی وارد مناقشات خصمانه مذهبی نشده است».^۲

۲. سرکوب حرکت‌های اسلامی و فشار بر آنان از جانب رژیم‌های مصر و ایران، به طور طبیعی دو جنبش مزبور را به منظور کاهش زیان‌های واردشده به ارتباط و همبستگی بیشتری وا می‌داشت. پیش از وقوع انقلاب، افسران آزاد در مصر، انقلابیان ایرانی ضرورت چنین ارتباطی را به دلیل شدت سرکوب رژیم شاه بیشتر احساس می‌کردند، اما پس از وقوع انقلاب، به علت قلع و قمع بی‌رحمانه اخوان المسلمین به دست ناصر، آنان به نزدیکی بیشتری به جنبش اسلامی ایران متمایل شدند.^۳

۳. جهان در آن زمان دچار حوادث و تحولاتی شد که کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان را هدف قرار داده بود. با وجود این، نظر و تفکر رهبران هر دو جریان به هم نزدیک بود. در تأیید این مطلب سالم بهنساوی در کتاب السنة المقتری علیها چنین می‌نویسد: «بی‌تردید برنامه‌ها و اساس‌نامه‌های هر دو جریان به همکاری با همدیگر منتهی می‌شود».^۴

۱. عباس خامه‌یار، ایران و اخوان المسلمین، ص ۲۲۷.

۲. مصاحبه با عمر تلمسانی، مجله الدعوة المهاجرة، س ۳، ش ۷۳، شعبان ۱۴۰۲، ص ۱۳.

۳. عباس خامه‌یار، ایران و اخوان المسلمین، ص ۲۲۸.

۴. السنة المقتری علیها، به نقل از: عباس خامه‌یار، ایران و اخوان المسلمین، ص ۲۲۹.

۴. پیدایش مسئله فلسطین و توطئه انگلیس برای گسیل یهودیان جهان به فلسطین و آثار ویران کننده ناشی از آن و نیز نقش جنبش اسلامی ایران و به خصوص نواب صفوی و آیت الله کاشانی در بسیج افکار عمومی ایران به نفع فلسطینیان ضرورت این همکاری را بیش از پیش ایجاد می کرد.^۱

۵. از جمله عوامل دیگر این رابطه تأسیس مؤسسه «دار التقرب بین المذاهب الاسلامیة» است که در واقع بستر بسیار مناسبی برای روابط فیما بین بود. عمر تلمسانی در این باره می گوید: «در دهه چهل امام محمدتقی قمی، دیدارهای متعددی از «دار المرکز العام» اخوان المسلمین انجام داد و میان او و امام حسن البنا در چند نوبت گفت و گوهای درباره اندیشه تقرب بین مذاهب اسلامی صورت گرفت».^۲ سالم البهنساوی در کتاب السنة المفتری علیها می گوید: «از ابتدای تشکیل دارالتقرب بین مذاهب اسلامی، پیوسته همکاری میان اخوان المسلمین و شیعیان ادامه داشته است. این همکاری به سفر امام نواب صفوی در سال ۱۹۵۴ به قاهره منجر شد. بی شک برنامه های این دو گروه نیازمند چنین همکاری ای بود».^۳

راشد الغنوشی، رئیس جنبش نهضت تونس، در بررسی ابعاد انقلاب اسلامی ایران می گوید:

نشانه های پیشرفت، تحول و پیروزی جنبش اسلامی ایران در تاریخ معاصر فراوان اند. یکی از این نشانه ها روابط مستحکمی است که میان امام حسن البنا و آیت الله کاشانی، رهبر سابق جنبش اسلامی ایران، در دهه های ۴۰ و ۵۰ میلادی وجود داشت. آنان با کمک یکدیگر خطوط کلی برنامه های همکاری و هماهنگی را برای برپایی دولت اسلامی در هر کجای کشورهای اسلامی وضع کردند و برای تأیید و کسب حمایت از آن قول مساعد دادند.^۴

۱. عباس خامه یار، ایران و اخوان المسلمین، ص ۲۲۹.

۲. مصاحبه با عمر تلمسانی، مجله الدعوة المهاجرة، س ۳، ش ۷۳، شعبان ۱۴۰۲، ص ۱۳.

۳. عزالدین ابراهیم، السنة والشريعة ضجة مفتعله، ص ۱۵.

۴. راشد الغنوشی، مقالات حركة الاتجاه الاسلامی بتونس، ص ۸۳.

نواب صفوی، رهبر فداییان اسلام، از جمله رهبران جنبش اسلامی ایران است که گام‌های بلندی در راه روابط میان دو جنبش برداشته است. در این خصوص عمر تلمسانی می‌گوید: «از بدو تشکیل انجمن تقریب بین مذاهب اسلامی، که امامان حسن البنا و محمدتقی قمی سهم بسزایی در به وجود آوردن آن داشته‌اند، همکاری بین اخوان و شیعیان پیوسته رو به گسترش بوده است. به همین علت، امام نواب صفوی، رهبر فداییان اسلام، در سال ۱۹۵۴ از قاهره دیدن کرد».^۱

۳. رابطه مصر و اخوان بعد از انقلاب با ایران

پس از نگرش به رابطه بین مصر با ایران و جمعیت اخوان المسلمین با جنبش اسلامی ایران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و بازنگری ارتباطات گذشته دو جنبش و بررسی علل و عواملی که باعث گسترش آن شد، اینک به بررسی این روابط هنگام پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، که همزمان با مذاکرات کمپ‌دیوید صورت گرفت، و نیز امضای پیمان مذکور میان مصر و اسرائیل و خروج مصر از جرگه کشورهای عربی در حال جنگ با رژیم غاصب، مناسبات را به حدی تغییر داد که منجر به قطع روابط دو دولت شد و این قطع رابطه تاکنون ادامه دارد.

امضای قرارداد کمپ‌دیوید، به رسمیت شناختن اسرائیل و پذیرش پناهندگی محمدرضا پهلوی و استقبال قاهره از وی، خصومت تهران و قاهره را افزایش داد. از این پس، کشور مصر تمامی اقدامات را برای مهار انقلاب اسلامی ایران به کار برد و سرکوب گروه‌های اسلام‌گرای متهم به حمایت از سوی ایران یکی از این اقدامات بود. دولت مصر، ایران را به صدور انقلاب خود به جهان عرب متهم، و از مخالفان عرب ایران حمایت می‌کرد، هرچند در نتیجه قرارداد کمپ‌دیوید در جهان عرب منزوی شده بود، اما

۱. گفت‌وگوی عمر التلمسانی با هادی خسروشاهی، مجله العالم، ش ۹۱، ص ۴۴ (چاپ‌شده در روزنامه بعثت، ش ۱۳، مهرماه ۱۳۹۲).

احساس خطر اعراب از انقلاب اسلامی ایران و مواضع مصر در قبال سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران بهترین زمینه را برای مصر در خروج از انزوا در بین اعراب فراهم کرد. حمایت مصر از عراق در جنگ با ایران نیز به این امر کمک فراوانی کرد.^۱

از سال ۱۹۷۸، غالب جریان‌های اسلامی سیاسی مصر، به صورتی صریح یا ضمنی، سیاست‌های رسمی نظام سیاسی حاکم بر مصر در تأیید شاه ایران و انتقاد نظام حاکم از انقلاب اسلامی ایران و رهبری آیت‌الله امام خمینی را نقد کردند. برخی از این جریان‌های اسلامی، هدف این موضع و سیاست رسمی را تلاش برای برانگیختن احساس نفرت توده مردم نسبت به الگوی «اسلام‌گرا» در ایران قلمداد و تفسیر کردند. دعوت رژیم انور سادات از شاه ایران، برای اقامت در مصر و پس از آن موضع‌گیری رسمی این رژیم در مسئله گروگان‌های آمریکایی در تهران، بر فاصله میان دیدگاه دولت و دیدگاه حرکت‌های اسلامی در مصر افزود.^۲ گروه‌های اسلام‌گرای مصری، این دیدگاه دولت را، که کمک به شاه را نشانه حق‌شناسی نسبت به کمک‌های نفتی و نظامی و اقتصادی وی به مصر در طی جنگ سال ۱۹۷۳ و پس از آن می‌دانست، به شدت سرزنش کردند. آنان در مقابل، اقدامات شاه در فروش نفت به اسرائیل، در دوره تحریم نفتی سال ۱۹۷۳ و همکاری مستحکم با این رژیم در زمینه نظامی و اطلاعاتی را یادآور شدند. جریان‌های اسلامی مصر بر آن بودند که اقدامات رژیم سادات در حمایت از شاه، بر اساس تقاضای ایالات متحده آمریکا و به هدف اقناع آمریکا، بر توانایی مصر، برای پرکردن جای رژیم شاه، به عنوان قدرت بزرگ منطقه‌ای، انجام گرفته است. این جریان‌ها، رسانه‌های تبلیغاتی مصر را متهم می‌کردند که از طریق حمله به آیت‌الله خمینی و حکومت جدید ایران، با هدف گسترش شکاف میان شیعه و سنی می‌کوشند.^۳

۱. منوچهر محمدی، بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر مصر، ص ۱۳؛ آشنایی با کشورهای جهان اسلام: جمهوری عربی مصر، ص ۳۷۳-۳۷۴.

۲. جمعی از نویسندگان، جستارهایی در انقلاب اسلامی ایران؛ انقلابی متمایز، ص ۳۷۳.

۳. همان، ص ۳۷۴.

پس از انقلاب اسلامی ایران به دلیل تحرک دوباره گروه‌های اسلام‌گرا و مخالف حکومت مصر، دولت این کشور ایران را متهم به حمایت از این گروه‌ها کرد و آنها را وابسته به ایران خواند و این مسئله خود موجب تشدید اختلاف دو کشور شد.

از آنجا که مهم‌ترین وجه انقلاب اسلامی در تأکید بر نقش اسلام در ایجاد حکومت بود، این مسئله سبب شد جنبش‌های اسلامی برای برقراری حکومت اسلامی در کشور خود به تکاپو بیفتند. در مصر نیز جنبش‌های اسلامی از دیرباز فعالیت داشتند، و تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران فعالیت نسبتاً گسترده‌ای آغاز کردند و انقلاب ایران را در تشکیل نوعی از حکومت اسلامی مد نظر قرار دادند. دولت مصر با آغاز دهه ۸۰ میلادی با مخالفت جدی گروه‌های اسلامی مواجه شد و به علت حمایت‌های ایران از این جنبش‌ها، دولت مصر جمهوری اسلامی را به حمایت از این گروه‌ها و همچنین مداخله در امور داخلی کشور متهم کرد.^۱

گروه‌های اسلامی، به خصوص اخوان المسلمین، انقلاب ایران و سرنگونی شاه، مبارزه با فساد و فسق و فجور، وحدت و اخوت اسلامی، انقلاب فلسطین و همیاری مسلمانان و بالأخره مخالفت با هر گونه حرکت غیراسلامی، اعم از ناسیونالیستی یا مارکسیستی، را تأیید و حمایت کردند.^۲

برای شناخت روابط بین اخوان المسلمین و انقلاب اسلامی باید مراحل مختلفی را بررسی کرد:

۱. موضع سیاسی اخوان المسلمین بر این اساس بود که هیچ وقت در مقابل ایران نباشند و هر که به ایران حمله می‌کند، خارج از اخوان قرار می‌گرفت. از این رو تاکنون هیچ‌گاه موضع رسمی و صریحی علیه انقلاب اسلامی از سوی شخصیت‌های برجسته و مسئول اتخاذ نشده است.^۳

۱. تحقیق اخوان المسلمین، ص ۲۵، در: <http://www.ikhwanwiki.com>.

۲. عباس خامه‌یار، ایران و اخوان المسلمین، ص ۲۳۶.

۳. همان، ص ۲۳۶.

۲. اصولاً فرصت کافی و مناسبی برای برقراری تماس و تحکیم روابط به سبب وقوع حوادث سریع و پیاپی پیش نیامد. مشکلات اخوان مصر و درگیری آنها با رژیم، ترور سادات، مشکلات داخلی ناشی از مواضع محافظه کارانه و انشعاب‌های پی‌درپی حاصل از آن، سرکوب اخوان در کشورهای سوریه و تونس، بروز اختلاف میان جناح‌های مختلف تشکیل دهنده تشکیلات جهانی اخوان و بلافاصله وقوع جنگ ایران و عراق، قطع رابطه سیاسی بسیاری از کشورهای عربی با ایران، محاصره تبلیغاتی و سیاسی همه‌جانبه ایران، جنگ دوم خلیج فارس، جوسازی و شایعات زیاد محافل استعماری فرصتی مناسب برای ارزیابی و تحلیل انقلاب برای اخوان فراهم نکرد.^۱ از این‌رو عمر تلمسانی، ضمن تأیید این مطلب، می‌گوید: «در این شرایط، ضروری بود جلسات گفت‌وگو برگزار شود که انجام نشد، اگر کارها به طور عادی به همان صورتی که در دوران امام حسن البنا جریان داشت، ادامه پیدا می‌کرد، می‌توانستیم در راه تقریب و نزدیکی میان مسلمانان گام‌هایی را برداریم. اما به محض اینکه بخواهیم از محنتی خارج شویم، در محنتی دیگر واقع می‌شویم».^۲

۳. از آنجا که اخوان المسلمین از طیف‌های گوناگونی تشکیل شده، بدیهی است رابطه بین انقلاب اسلامی و طیف‌های متعدد آن یکسان نبوده، بلکه متأثر از موضع هر یک از گرایش‌های جمعیت در قبال انقلاب بود که خود از اوضاع سیاسی - اجتماعی و نیز گرایش مذهبی هر یک از طیف‌های مذکور تأثیر می‌گرفت. برای مثال، رابطه با طیف کشورهای شمال آفریقا، برعکس کشورهای خلیج فارس که اصولاً فاقد هر گونه رابطه‌ای است، بهترین وجه را داشته است. نزدیکی مذاهب مالکی و شافعی به مذهب شیعی، فقدان اختلاف‌های عمیق مذهبی - تاریخی بین مذاهب مختلف، وجود دولت‌های شیعی چون فاطمیان و نفوذ نداشتن وهابیت و ده‌ها دلیل دیگر، کشورهای شمال آفریقا را

۱. همان، ص ۲۳۷.

۲. گفت‌وگوی عمر تلمسانی با سید هادی خسروشاهی، مجله العالم، ش ۹۱، ص ۴۴ (چاپ‌شده در روزنامه بعثت، ش ۱۳، مهرماه ۱۳۹۲).

از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس متمایز کرده و بالطبع روابط آنان را با انقلاب اسلامی دگرگون ساخته است.^۱

۴. موضع‌گیری گروه‌های دیگری از اخوان المسلمین از سایر کشورهای اسلامی که به دلایل گوناگون از این جنبش منشعب شده‌اند و تشکیلات جداگانه‌ای راه انداخته‌اند، خود مقوله دیگری است که در این مبحث نمی‌گنجد. گروه جهاد اسلامی، طیف قطیبین (هواداران سید قطب)، الجماعة الاسلامیة، التکفیر والهجرة و ... از گروه‌های انشعابی اخوان هستند که هر کدام با توجه به عوامل گوناگون، موضع خاصی در قبال انقلاب اسلامی داشته‌اند. علاوه بر نکات فوق، موضع‌گیری اخوان در سطح کادرها، اعضای معمولی و هوادار نیز یکسان نبوده و تفاوت چشمگیری داشته است.^۲

پس از بیان مطالب بالا، روابط ایران و اخوان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران را بررسی می‌کنیم. اما پیش از بررسی روابط لازم است مطلبی درباره واکنش ابتدایی تشکیلات اخوان به انقلاب را در نظر بگیریم. به محض پیروزی انقلاب، دبیرخانه تشکیلات بین‌المللی اخوان المسلمین، هیئتی مرکب از نمایندگان جناح‌های مختلف اخوان المسلمین روانه ایران کردند که پیروزی انقلاب را به مسئولان و مقامات بلندپایه تهنیت و تبریک بگویند و در خصوص راه‌های همکاری، گفت‌وگو و تبادل نظر کنند. در این خصوص طرفین در مسائل ذیل به توافق رسیدند:

الف. صدور جزوه‌ای از سوی اخوان المسلمین برای معرفی انقلاب ایران و نشان دادن دستاوردهای مثبت و انتشار اظهارات و بیان مواضع رهبری انقلاب؛

ب. ایجاد روابط سازمان‌یافته با حرکت دانشجویان مسلمان ایرانی از طریق اتحادیه جهانی دانشجویان مسلمان و ترجمه ادبیات و نوشتارهای نویسندگان دو طرف، به‌ویژه ادبیات اخوان المسلمین از عربی به فارسی و بالعکس.

۱. عباس خامه‌یار، ایران و اخوان المسلمین، ص ۲۳۷.

۲. همان، ص ۲۳۷-۲۳۸.

ج. قراردادن عناصر و فعالیت‌های فرهنگی و مطبوعاتی اخوان المسلمین در اختیار ایران با هدف استفاده از آنها در مراکز مطبوعاتی و ارگان‌های انقلابی این کشور.^۱

به طور کلی، برخورد شاخه‌های مختلف اخوان در کشورهای گوناگون اسلامی، به علل و عوامل فراوان، متفاوت بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با وجود مخالفت‌های نظام حاکم بر مصر علیه انقلاب اسلامی ایران، مواضع اخوان المسلمین مصر به نفع انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی بود. در این باره نویسنده‌ای مصری می‌گوید: «پس از پیروزی انقلاب ایران، مسئولان سیاسی مصر، به هر شکلی و در هر موقعیتی علیه انقلاب ایران هجمه تبلیغاتی به راه می‌انداختند و آن را «انقلاب خونین» توصیف می‌کردند و مسئولان و رهبران انقلاب را افرادی کافر، انتقام‌جو، توسعه‌طلب، تروریست، قدرت‌طلب و دشمن اعراب معرفی می‌کردند. در حالی که گروه‌های اسلامی مصر از ابتدای انقلاب شادمان شدند و مراتب خرسندی خویش را ابراز داشتند».^۲

اخوان المسلمین در سال ۱۹۷۹ کتابی با عنوان خمینی آلترناتیو اسلامی، که نویسنده آن فتحی عبدالعزیز است، منتشر کردند. در این کتاب از شیوه و راه‌های امام خمینی و انقلاب برای دیگر نظام‌ها به عنوان راه‌حل یاد شده است. فتحی عبدالعزیز در این کتاب می‌گوید: «انقلاب خمینی، انقلاب یک جنبش اسلامی علیه دیگر جنبش‌ها نیست، بلکه انقلاب ایران مرکز ارزش‌ها و اعتقادات مشترک است که همه مسلمانان را به وحدت می‌خواند، همان چیزی که انقلاب ایران برای آن محقق شد».^۳

مجله‌های الدعوة، الاعتصام و المختار الاسلامی نیز از انقلاب ایران جانبداری کردند و بر اسلامی بودن انقلاب صحنه گذاشتند و حمایت خویش را از انقلاب و رهبری آن اظهار داشتند.^۴ از سوی دیگر، اخوان المسلمین بیانیه‌های متعددی در حمایت و تأیید انقلاب اسلامی ایران منتشر کرد. انقلاب ایران این احساس را در دل اخوان المسلمین زنده کرد

۱. النفیسی، الاخوان المسلمون فی مصر، ص ۲۴۸ و ۲۴۹ به نقل از: حامد عبدوس، بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر مصر.

۲. حسن حنفی، الحركات الاسلامیة فی مصر، ص ۸۶.

۳. جان ال. اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ص ۱۵۹.

۴. بهمن آقایی و خسرو صفوی، اخوان المسلمین، ص ۲۳۹.

که پیروزی بسیار نزدیک است و شاه، استعمار و تمام دستگاه‌های سرکوبگر هیچ کدام قادر نیستند در برابر اسلام و رهبری اعتقادات اسلامی مقاومت کنند.^۱ می‌توان گفت اخوان المسلمین تنها جریان اسلامی مصر است که دیدگاهش درباره شیعه میانه‌رو است و از انقلاب اسلامی ایران حمایت کرد.^۲

رهبران مشهور اخوان، عموماً، و مصری‌ها به‌خصوص نفوذ فراوانی بر سایر شاخه‌های جمعیت اخوان المسلمین در کشورهای مختلف دارند. به رغم فشارها، مخالفت‌ها، جوسازی‌ها، تطمیع‌ها و ... اخوان المسلمین مصر هیچ‌گاه موضع صریح منفی علیه انقلاب و رهبری آن اتخاذ نکرده است. برخی رهبران این جریان همواره در اوج نارضایتی از برخی عملکردها و رفتارهای انقلابیان ایران باز هم خویشتنداری کردند و در موضع انفعال قرار نگرفتند.^۳ در همین زمینه، مرشد اخوان المسلمین، عمر تلمسانی، درباره ادعای مواضع منفی اخوان المسلمین در قبال انقلاب اسلامی ایران می‌گوید: «ما هیچ وقت هجمه تبلیغاتی علیه انقلاب اسلامی ایران نداشتیم، و بدون حضور در ایران ارزیابی انقلاب اسلامی ایران برای ما ممکن نیست، و برای هیچ انسان منصف و حقیقت‌طلبی جایز نیست ادعا و اخبار خبرگزاری‌ها را مبنای کار خودش قرار دهد. زیرا آنها واقعیت‌ها را به‌درستی جلوه نمی‌دهند و مبنای قضاوت و ارزیابی بنده اخبار جهانی نیست و همه آنها مخدوش است».^۴

عمر تلمسانی، در کتاب معروف خود ایام مع السادات، انور سادات را به علت دعوت و پذیرایی از شاه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی تقدیم می‌کند و اقدام او را برخلاف نظر مردم می‌داند.^۵

۱. همان، ص ۲۴۰.

۲. صالح وردانی، الحركة الاسلامیة فی مصر، ص ۱۹۷.

۳. بهمن آقایی و خسرو صفوی، اخوان المسلمین، ص ۲۴۰-۲۴۱.

۴. مجله الطلیعة الاسلامیة، ش ۱۸، ص ۳۵، در: <http://altaleea.com>.

۵. عمر تلمسانی، ایام مع السادات، ص ۷۵.

۴. دلایل افول روابط بین اخوان المسلمین و انقلاب اسلامی ایران

پس از گذشت چند سال از پیروزی انقلاب اسلامی حمایت‌های رهبران اخوان المسلمین و هواداران اخوان به انقلاب کمتر شد و رو به سردی گذاشت. با اینکه رهبران اخوان المسلمین دیدگاه منفی و صریحی علیه انقلاب اسلامی ایران در پیش نگرفتند و راه بازگشتی را برای خود به جای گذاشتند. اما در بعضی مکان‌ها و نشریات داخلی اخوان به برخی کارها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران معترض بودند و نارضایتی خودشان را اعلام کردند، از جمله در خصوص اقدامات نظام علیه ضدانقلاب، شیعی بودن رئیس‌جمهور، انتخاب نظام ولایت فقیه به عنوان سیستم حکومتی کشور، برقراری ارتباط با دولت وقت سوریه (نظام حافظ اسد) و مجموع اینها بر روابط بین جنبش اخوان المسلمین و انقلاب اسلامی اثر منفی گذاشت و به تدریج رو به سردی رفت و به قطع ارتباط انجامید. تعدادی از روزنامه‌ها و مجلات اخوان المسلمین نیز بعد از این اتفاقات به جای حمایت از انقلاب، به انتقاد و هجمه به انقلاب و تشیع رو آوردند.^۱

به نظر می‌رسد این سردی روابط و در نتیجه قطعی روابط فیما بین عللی داشته که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. خط مشی اصول‌گرایانه، محافظه‌کارانه و انعطاف‌پذیر رهبران اخوان المسلمین نمی‌توانست با اقدامات قاطع و مواضع سازش‌ناپذیر انقلابیان پیروزمند ایرانی سازگار باشد. اخوان از تشکیل دادگاه‌های انقلابی و مجازات وابستگان رژیم شاه و مواجهه‌های خونین با ضدانقلاب داخلی به «حمام خون» تعبیر کرد، و چنین اقداماتی از دید آنان «با روحیه صلح‌جویانه اسلام» منافات داشت.^۲

از سوی دیگر، از دید انقلابیان ایرانی «جهاد» و «شهادت» عناصر مهمی بودند که جایگاهی ویژه در ایجاد روابط میان جنبش اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی از جمله

۱. «الخمینی بین آمال المسلمین و مومرات الصلیبیه والشیوعیه، الدعوة»، ش ۳۴، مجله الاعتصام، شماره‌های ذی‌الحجة ۱۴۰۰، محرم ۱۴۰۱.

۲. عباس خامه‌یار، ایران و اخوان المسلمین، ص ۲۵۲.

اخوان المسلمین داشتند. اما چنین تفکری با خط مشی و بینش جمعیت سازگاری نداشته و همواره مشکل آفرین بوده است.^۱

در مصر موضع اخوان المسلمین از این قرار بود: «حوادثی که در دوران محافظه‌کاری اخوان المسلمین و بروز جریان جنبش الجهاد و ترور انور سادات انجام گرفت، باعث شد اخوان المسلمین مخالفت خود را با تندروی و اندیشه‌های جهادی، اعلام کنند. بر این اساس، اخوان المسلمین همسو با موضع‌گیری خود در قبال حکومت وقت، به عنوان جریانی میانه‌رو به‌ناچار در روابط خود با انقلاب ایران تجدید نظر کردند. چون انقلاب ایران در اندیشه‌های جهادی خود، مردم را به شورش و قیام علیه حکومت‌های خود و به‌خصوص حکومت مصر دعوت می‌کردند.^۲ تبلیغات استعمارگران و قدرتهای خارجی در جنگ تبلیغاتی و روانی رسانه‌ای علیه انقلاب ایران را نیز نباید نادیده گرفت، به‌ویژه بر سر دادگاه‌های انقلابی و ...»

۲. فشارهای سیاسی حکام عرب بر اخوان المسلمین کشورهای مختلف عربی با هدف جلوگیری از حمایت و پشتیبانی آنها از انقلاب اسلامی ایران، در سردی و قطع روابط بین اخوان و انقلاب اسلامی نقش بسزایی داشت. دکتر فهمی شناوی، متفکر مصری، در مقاله‌ای درباره انقلاب اسلامی در مؤسسه اسلامی لندن در سال ۱۹۸۴ به همین مسئله اشاره می‌کند و می‌گوید: «از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، پیرامون آن، دیواری آهنین، محکم‌تر از دیواری که گرداگرد انقلاب بلشویکی روسیه بود، وجود داشت. اعراب برای کشیدن چنین دیواری به کار گرفته شدند و حزب بعث عراق به علت تضاد تئوری بعث با تئوری اسلام، سردمدار چنین عملیاتی بود. آنگاه وضعیت از یک دیوار جداکننده صرف، به جنگی آشکار تبدیل شد که اعراب از خون و نفت مسلمانان آن زمان تغذیه کردند».^۳

۱. همان، ص ۲۵۲.

۲. صالح الوردانی، الحركة الاسلامیه فی مصر، ص ۱۹۸.

۳. عباس خامه‌یار، ایران و اخوان المسلمین، ص ۲۵۴.

محمد صالح وردانی، نویسنده مصری، در کتاب الحركة الاسلامیة فی مصر، درباره نقش رژیم مصر در فشار بر اخوان المسلمین مصر با هدف تأییدنکردن انقلاب و موضع‌گیری علیه آن می‌نویسد: «مواضع اخوان المسلمین مصر به تدریج دگرگون شد و به تشنج و تزلزل گرایید ... اخوان المسلمین مصر در حمایت‌نکردن از انقلاب و موضع‌گیری سرسختانه در قبال آن، بحث حمایت ایران از نظام حافظ اسد را بیان می‌کنند و اینکه رژیم حافظ اسد در صدد نابودی مسلمانان سوری است! اما تغییر مواضع اخوان المسلمین در اصل بر اثر فشارهای سیاسی رژیم مصر بر این جنبش است»^۱.

نکته مهم اینکه مواضع منفی و سخت حکام خلیجی تأثیر فراوانی بر افول روابط اخوان المسلمین و انقلاب ایران داشت.^۲

۳. به علل فراوانی که در گذشته به آنها اشاره کردیم، زمینه مناسبی برای بیشترکردن اختلافات و کشاندن این اختلافات به مسائل مذهبی و اعتقادی بود، دشمنان و مخالفان بدین وسیله باعث اختلاف‌افکنی بین دو جنبش شدند. در حالی که برخی مخالفان اخوان المسلمین معتقد بودند: «اخوان المسلمین برای توجیه حمایت‌نکردن از انقلاب و موضع‌گیری در قبال آن، به اختلاف میان سنی و شیعه روی آورد»^۳. وردانی می‌نویسد: «پس از شروع جنگ میان ایران و عراق، روابط بین انقلاب ایران و اخوان المسلمین رو به سردی رفت، دیدگاه و موضعشان در خصوص انقلاب تغییر کرد. از این رو کارهای فرقه‌گرایانه و اختلاف‌انگیز را علیه انقلاب و شیعه شروع کردند و تعداد زیادی کتاب و مقالات و ... بر ضد شیعه نوشتند و به انقلاب ایران هجمه بردند و در آن تردید کردند»^۴.

دکتر نفیسی می‌نویسد: «کج‌فهمی و نداشتن درک درست و دقیق از موقعیت و رویدادهای

۱. صالح الوردانی، الحركة الاسلامیة فی مصر، ص ۱۹۸.

۲. «الرسول ینتخب ایران للقیادة»، مجلة المعرفة، ش ۸، در: <http://www.almarefah.net>.

۳. ابو عمر، الحركة الاسلامیة فی فلسطین، ص ۱۵۶.

۴. صالح الوردانی، الحركة الاسلامیة فی مصر، ص ۱۹۷.

زمانه خود، اشکال اصلی و آشکار شورای مرکزی (مکتب الارشاد العام) اخوان المسلمین بوده است، به خصوص در بحث روابط سیاسی با انقلاب اسلامی ایران.^۱

۴. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ تا پایان جنگ خلیج فارس، جمعیت اخوان المسلمین با مشکلات و معضلات داخلی بزرگی دست به گریبان بود که موجب می شد کمتر فرصتی برای تنظیم و ارزیابی روابط خارجی خود داشته باشد. ضربات سهمگین حاصل از پیدایش گرایش‌های نوین و انشعاب و جدایی بی‌پای آنها از جمعیت مادر، همچون سازمان جهاد اسلامی، التکفیر والهجرة و نیز گروه‌های سلفی و محافظه‌کار و آغاز جنگ سرد میان گروه‌های منشعب و جمعیت مادر و ...، در مجموع وضعیتی را به وجود آورد که اخوان المسلمین را سخت مشغول مشکلات درونی خود کرد و فرصت مناسب برای اثرگذاری و اثرپذیری با انقلاب اسلامی ایران را از دست داد.^۲

۵. رابطه تنگاتنگی که بین مقامات ایرانی و رژیم‌های حاکم بر کشورهای عرب به طور عام و رژیم سوریه به طور خاص وجود داشت، آثار نامطلوبی بر روابط میان جنبش ایران و جمعیت اخوان المسلمین بر جای گذاشت. رژیم‌های مذکور به رغم آوازه‌ای که در آن سال‌ها به علت اوضاع و احوال سیاسی آن زمان برای خود کسب کرده بودند، از دید توده‌های مسلمان، خشن‌ترین و منفورترین رژیم‌های سیاسی منطقه به شمار می‌رفتند. این واقعیت آشکاری بود که به هیچ وجه نمی‌توان منکر آن بود. امضای معاهده هم‌پیمانی راهبردی - نظامی سال ۱۹۸۵ با لیبی، دیدارهای رسمی سران ایران از الجزایر و مهم‌تر از همه موضع‌گیری و رابطه راهبردی جمهوری اسلامی ایران با رژیم بعثی سوریه، آن هم پس از قیام و کشتار اخوان المسلمین در شهر حماة، به مثابه بمبی بود که پل ارتباطی بین دو جنبش را ویران ساخت و در نهایت آثار منفی بسیاری تا به امروز بین ایران و اخوان پدید آورد.^۳

۱. ابوعمر، اخوان المسلمین والحركة الاسلامية روية مستقبلية مصر بين التجربة والخطا، ص ۲۴۹.

۲. عباس خامه‌یار، ایران و اخوان المسلمین، ص ۲۵۹-۲۶۰.

۳. همان، ص ۲۶۴.

البته با بررسی اجمالی اوضاع و احوال سیاسی آن روز ایران به نظر می‌رسد مقامات ایران به علل زیر نمی‌توانستند در کنار اخوان سوریه و علیه نظام آن کشور قرار گیرند. البته این به معنای صحت موضع‌گیری و قرارگرفتن در کنار سوریه علیه اخوان المسلمین آن کشور نیست:

الف. ایران در آن روز در انزوای سیاسی شبه‌کاملی قرار داشت و تحت تهاجم سیاسی-تبلیغاتی گسترده دولت‌ها بود. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز با گسترش جبهه متحد اعراب رفته‌رفته داشت رنگ ناسیونالیستی به خود می‌گرفت و به جنگ عرب و فارس تبدیل می‌شد. لذا به نظر می‌رسد عاقلانه نبود که ایرانی‌ها تنها هم‌پیمان یگانه حامی عرب خود را در این موقعیت حساس از دست بدهند.

ب. شورش اخوان المسلمین سوریه علیه نظام این کشور در آن موقعیت به علل گوناگونی غیرعادی به نظر می‌رسید.

ج. به نظر می‌رسد افق این درگیری و ناموفق‌بودن اخوان در سرنگونی نظام بعث سوریه برای جمهوری اسلامی محرز و بر اساس تحلیل‌های آن روز، با زنده‌بودن اخوان سوریه روشن بوده است. در نتیجه به نفع ایران نبود که وارد درگیری‌ای شود که آینده آن این‌گونه مشخص بوده است.

۶. جنگ، عامل اصلی بروز اختلاف‌هایی در درازمدت در دیدگاه‌های اخوان المسلمین و ایران بوده و روابط بین دو طرف با توجه به طولانی‌شدن جنگ و دخالت عوامل مختلف طی هشت سال، از آغاز تا پایان آن با فراز و نشیب‌های متعددی همراه بوده است.^۱

نکته مهم اینکه به رغم مواضع اولیه اخوان در قبال جنگ و طرفداری از جمهوری اسلامی و موضع بی‌طرفانه آنها در مقطع دیگر جنگ، آنان (جز اخوان المسلمین سوریه) هیچ‌گاه به طرفداری عراق در جنگ برخاستند. حتی در بدترین موقعیت‌ها و ناملایم‌ترین مناسبات بین آنان و جمهوری اسلامی، باز این بی‌طرفی و حمایت‌نکردن از عراق را حفظ کردند.

۱. همان، ص ۲۶۶.

۵. دیدگاه‌ها و مواضع اخوان کشورهای مختلف عربی در قبال انقلاب

اسلامی ایران

علاوه بر مصر، که مرکز اصلی جمعیت اخوان المسلمین محسوب می‌شود، سایر شاخه‌های جنبش اسلامی در کشورهای مختلف عربی نیز موضع‌گیری‌هایی شبیه مواضع اخوان المسلمین داشته‌اند. اما به طور کلی عملکرد شاخه‌های مختلف اخوان در کشورهای اسلامی با توجه به علل و عوامل فراوانی، متفاوت بوده است. در دوران نهضت اسلامی ایران علیه استعمار و استبداد، همواره سازمان‌های وابسته به اخوان در نشریات و اجتماعات خود از نهضت مردم مسلمان ایران پشتیبانی می‌کردند و پس از پیروزی هم، سازمان بین‌المللی اخوان، که مرکز آن در لوگانو بود، ضمن هماهنگی با مقامات ایرانی، هیئتی را که مرکب از اعضای رهبری اردن، مصر، سوریه، کویت، سودان، پاکستان و بعضی بلاد دیگر بود، با یک پرواز ویژه به ایران فرستاد که هدف اصلی آن تبریک‌گویی به رهبری انقلاب، حضرت امام خمینی، و مردم ایران و اعلام پشتیبانی بود؛^۱ شخصیت‌هایی چون سعید حوی، از رهبری سوریه، عبدالرحمن خلیفه، مراقب عام اخوان اردن، جابر رزق از مصر، غالب همت از واحد بین‌الملل و عبدالله العقیل از اخوان کویت از اعضای بلندمرتبه هیئت بودند.^۲

مصر

اخوان المسلمین اولین گروهی بود که به انقلاب اسلامی ایران واکنش نشان داد. این جماعت در اعلامیه‌ای که در سال ۱۹۷۹ منتشر کرد، ضمن ستایش انقلاب اسلامی ایران آن را الگویی برای مبارزات اسلامی خود علیه دولت وابسته و ضداسلامی مصر دانست. به‌ویژه در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی این انقلاب را در چارچوب مبارزه جهانی میان اسلام و کفر قلمداد کرد و با صدور بیانیه‌های متعددی حمایت خود را از انقلاب اسلامی اعلام کرد. اخوان المسلمین، در سال ۱۹۷۹ آشکارا انقلاب اسلامی

۱. سید هادی خسروشاهی، اخوان المسلمین و ایران در گذر تاریخ، ص ۹.

۲. همان، ص ۱۰.

ایران را تأیید، و از پناه‌دادن رژیم مصر به شاه انتقاد کرد. عمر تلمسانی، رهبر اخوان المسلمین نیز از مخالفت جماعت‌های اسلامی در دانشگاه‌های مصر با استقبال از شاه پشتیبانی کرد. همچنین، این جماعت، پیش‌تر از شاه به دلیل به رسمیت شناختن اسرائیل و احیای سنت‌های ایرانی پیش از اسلام و بی‌اعتنایی به سنت‌های اسلامی انتقاد کرده بود.^۱

سودان

در سودان، که جنبش اسلامی رشد سریعی داشت، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تأثیر ژرفی بر آن کشور گذاشت و روابط میان جنبش اسلامی سودان و انقلاب اسلامی ایران نسبت به قبل مستحکم‌تر شد. دکتر حسن مکی، نویسنده معروف سودان و استاد دانشگاه خارطوم، در این باره می‌گوید: «پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی باعث شد روحیه اسلام‌گرایان سودانی تقویت شود. اخوان المسلمین سودان تظاهرات عظیم دانشجویی به راه انداختند که در آن، علاوه بر دانشجویان، مردم نیز شرکت کردند. تظاهرکنندگان نامه‌ای معترضان به رئیس‌جمهور وقت آمریکا با این مضمون نوشتند که از دخالت در امور داخلی ایران خودداری کنند. آنها نامه را تحویل سفارت آمریکا در خارطوم دادند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران برای سودانی‌ها بسیار مهم بود، به گونه‌ای که بسیاری از سودانی‌ها بر این تصور بودند که انقلابی مانند انقلاب اسلامی ایران در کشورشان به وقوع خواهد پیوست و همچنین امیدوار بودند میان دو حرکت اسلامی ایران و سودان اتحاد و ارتباط به وجود آید».^۲

همچنین دکتر حسن مکی، اخوان المسلمین سودان را در تأیید انقلاب اسلامی ایران، نسبت به دیگر کشورها پیش‌تر می‌داند و می‌گوید: «جنبش اسلامی سودان برای تأیید انقلاب اسلامی و حمایت از آن از سایر جناح‌های اخوان المسلمین پیشی گرفت، و

۱. جمعی از نویسندگان، جستارهایی در انقلاب اسلامی ایران، ص ۳۷۵.

۲. حسن مکی، حركة الاخوان المسلمین فی السودان، ص ۸۴.

پیام‌های حمایتی و اعلام پشتیبانی اسلام‌گرایان سودانی از نهضت اسلامی ایران پی‌درپی به نوفل لوشاتو، تهران و قم فرستاده می‌شد.^۱

تونس

در تونس «جنبش اسلامی» این کشور قاطعانه به نفع انقلاب اسلامی ایران موضع‌گیری کرد. مجله المعرفة، که از جمله مجلات رسمی این جنبش بود، به شدت از انقلاب اسلامی جانبداری می‌کرد و برای موفقیت آن همواره دعا و آرزوی خیر می‌کرد و مسلمانان را به همیاری با این انقلاب نوا می‌خواند. این حمایت‌ها چنان گسترده بود که راشد الغنوشی، رهبر جنبش اسلامی تونس، در یکی از شماره‌های این مجله در مقاله‌ای امام خمینی را نامزد امامت مسلمانان معرفی کرد. در پی انتشار این مطلب، مجله المعرفة توقیف شد و بورقیبه رهبران جنبش اسلامی تونس را دست‌گیر و به مجازات‌های طولانی، حتی اعدام، محکوم کرد.^۲

راشد الغنوشی در کتابش با نام جنبش اسلامی و تجددگرایی می‌نویسد: «در ایران جنبش و حرکتی به راه افتاده که به احتمال قوی تمام حرکت‌های منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مسیرشان را متغیر می‌کند و اسلام را از قید و بند و سلطه حاکمیت‌هایی که اسلام را در مقابل‌گرایش‌ها و جنبش‌های انقلابی قرار می‌دهند، رها می‌کند».^۳

راشد الغنوشی، پس از گذشت ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی، در جمع‌بندی درباره موضع‌گیری و رابطه جنبش اسلامی تونس با جنبش اسلامی ایران می‌گوید: «نه تنها جنبش اسلامی تونس، بلکه تمام جنبش‌های اسلامی از همان ابتدای پیدایش انقلاب اسلامی ایران با آن همگام و هم‌صدا شدند».^۴

۱. حسن مکی، حركة البعث الاسلامی، ص ۱۷۰.

۲. عباس خامه‌یار، ایران و اخوان المسلمین، ص ۲۴۵.

۳. راشد الغنوشی، الحركة الاسلامیة والتحدیث، ص ۱۶.

۴. گفت‌وگوی راشد الغنوشی با دانشجویان عضو انجمن اسلامی دانشگاه تهران، الجزیره، ۱۹۹۱/۳/۲۸.

اردن

اخوان المسلمین اردن نیز از انقلاب اسلامی ایران حمایت کرده و مواضع خوبی در قبال انقلاب داشته است. محمد عبدالرحمن خلیفه، دبیر کل اخوان المسلمین اردن، حمایت خودش را از انقلاب اسلامی ایران اعلام و تأیید کرده است؛ و نیز افرادی همچون ابراهیم زید الگیلانی و یوسف العظم از دیگر شخصیت‌های اخوانی بودند که حمایت خویش را از انقلاب اسلامی ایران اعلام کرده‌اند.^۱

لبنان

حمایت و پشتیبانی جنبش‌های اسلامی لبنان از انقلاب اسلامی ایران نسبت به دیگر جنبش‌ها بهتر و بیشتر بوده است. از جمله فتحی یکن، رهبر اخوان المسلمین لبنان و مجله الامان ایشان از انقلاب اسلامی ایران حمایت کردند.^۲

سوریه

عصام العطار، از جمله رهبران برجسته اخوان المسلمین سوریه کتابی جامع با نام ثورة ایران نوشته، و در آن تاریخچه و ابعاد و ریشه‌های انقلاب اسلامی را بررسی کرده است. ایشان همیشه از انقلاب پشتیبانی کرده و مجله الرائد، که ایشان در آلمان منتشر می‌کرد، نقش بسزایی در مطرح کردن دیدگاه‌ها و مواضع انقلاب اسلامی ایران و تبیین اهداف این انقلاب داشته است.^۳

باید یادآور شد که تشکیلات جهانی اخوان در خصوص اتفاقات مختلف سال‌های نخست پیروزی انقلاب، موضع‌گیری‌های مناسب و حمایت‌های خوبی از انقلاب داشته‌اند. برای مثال، با اشغال لانه جاسوسی به دست دانشجویان پیرو خط امام «تشکیلات جهانی اخوان» با صدور بیانیه‌ای از گروگان‌گیری دانشجویان پشتیبانی کرد.^۴

۱. عز الدین ابراهیم، السنة والشريعة ضجة مفتعله، ص ۳۰.

۲. همان، ص ۳۰.

۳. همان، ص ۲۸ و ۲۹.

۴. همان، ص ۳۱ و ۳۲.

نتیجه

با بررسی‌های انجام‌شده، روابط جماعت اخوان المسلمین با ایران به دو برهه قبل و بعد از انقلاب اسلامی تقسیم می‌شود؛ قبل از انقلاب اسلامی این روابط حسنه بود، ولی بعد از وقوع انقلاب ارتباطات میان دو جنبش همراه با افت و خیزهایی بوده است، که در اثر عواملی چون اقدامات انقلابی نظام اسلامی در محاکمه و اعدام ضدانقلابیون، شیعه‌بودن رئیس‌جمهور ایران، انتخاب نظام ولایت فقیه به عنوان سیستم حکومتی ایران، حمایت از دولت وقت سوریه (نظام حافظ اسد) در برابر اخوان و ... رو به افول نهاد و پس از مدتی این ارتباط به طور کامل قطع شد. به نظر می‌رسد آشنایی بیشتر اندیشمندان اسلامی از شیعه و اخوان المسلمین تا حد زیادی به از سرگیری و بهبود روابط دو جنبش کمک شایانی بکند.

منابع

۱. «الخمینی بین آمال المسلمین و موامرات الصلیبیه و الشیوعیه، الدعوة»، در: **مجلة الاعتصام**، ش ۳۴، ۱۴۰۰-۱۴۰۱.
۲. «الرسول ینتخب ایران للقیادة»، **مجلة المعرفة**، ش ۸، در: <http://www.almarefah.net>.
۳. «گفت‌وگویی راشد الغنوشی با دانشجویان عضو انجمن اسلامی دانشگاه تهران»، **نشریه الجزيرة**، ۱۹۹۱/۳/۲۸.
۴. **آشنایی با کشورهای اسلامی؛ جمهوری عربی مصر**، نظارت و تدوین: محمدهادی فلاح‌زاده، تهران: انتشارات مؤسسه ابرار معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۵. ابراهیم، عز‌الدین، **السنة والشريعة ضجة مفتعلة**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۵.
۶. ابوعمر، **الحركة الإسلامية فی فلسطين**، بیروت: القدس للطباعة، ۱۹۸۹.
۷. اسپوزیتو، جان ال، **انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن**، ترجمه: محسن مدیر‌شانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۸. خامه‌یار، عباس، **ایران و اخوان المسلمین**، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۰.
۹. آقایی، بهمن؛ صفوی، خسرو، **اخوان المسلمین**، تهران: رسام، ۱۳۶۵.
۱۰. بهنساوی، سالم، **السنة المفتري علیها**، کویت: دار البحوث العلمیة، الطبعة الثالثة، ۱۹۸۹/۱۴۰۹.
۱۱. **تحقیق اخوان المسلمین**، در: <http://www.ikhwanwiki.com>.
۱۲. تلمسانی، عمر، «الشیخ تلمسانی يتحدث للسید خسروشاهی حول المسلمین و لوحدة الاسلامیة»، **مجلة العالم**، لندن، ش ۹۱، صفر ۱۴۰۶ / نوامبر ۱۹۸۵.
۱۳. _____، **ایام مع السادات**، قاهره: دار الاعتصام.
۱۴. _____، **مجلة الدعوة المهاجرة**، در: <http://www.aldaawah.com>.
۱۵. جمعی از نویسندگان، **جستارهایی در انقلاب اسلامی ایران؛ انقلابی متمایز**، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۱۶. حنفی، حسن، **الحركات الإسلامية فی مصر**، قاهره: المؤسسة الاسلامیة للنشر، ۱۹۸۹.
۱۷. خسروشاهی، سیدهادی، **اخوان المسلمین و ایران در گذر تاریخ**، در: <http://www.khosroshahi.org>.
۱۸. عبدوس، حامد، **بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر مصر**، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، در: <http://www.irdc.ir>.
۱۹. الغنوشی، راشد، **الحركة الإسلامية والتحدیث**، بیروت: مكتبة دار الجیل و خارطوم: مكتبة دار الفكر، ۱۹۸۰.
۲۰. _____، **مقالات حركة الاتجاه الاسلامی بتونس**، پاریس: دار الكرون، بی‌تا.

۲۱. فوزی، یحیی، «مقایسه اندیشه سیاسی اخوان المسلمین با جنبش اسلامی شیعی ایران»، برگرفته از: <http://www.basirat.ir> و <http://rasekhood.net>.
۲۲. مجله الطلیعة الاسلامیة، قاهره، ۱۹۸۵، در: <http://altaleea.com>.
۲۳. محمدی، منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، بی تا.
۲۴. مکی، حسن، حركة الاخوان المسلمین فی السودان، خارطوم: دانشگاه خارطوم، بی تا.
۲۵. —، حركة البعث الاسلامی، خارطوم: دانشگاه خارطوم، بی تا.
۲۶. النفیسی، اخوان المسلمین والحركة الاسلامیة روية مستقبلية مصر بین التجربة والخطا، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۷. نقوی، علی محمد، مقدمه‌ای بر نهضت‌شناسی؛ از حسن البنات تا خالد اسلامبولی، تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور، ۱۴۰۱.
۲۸. الوردانی، صالح، الحركة الاسلامیة فی مصر، قاهره: البداية للنشر والاعلام والتوزیع، ۱۹۸۶.